

ادامه حکمت‌ها

حکمت 261

مظلومیت امام علی علیه السلام

(سیاسی، تاریخی) و درود خدا بر او، فرمود: (آن هنگام که تهاجم یاران معاویه به شهر انبار، و غارت کردن آن را شنید، تنها و پیاده به طرف پادگان نظامی کوفه «نخيله»¹ حرکت کرد، مردم خود را به او رسانده، گفتند ای امیر مؤمنان ما آنان را کفایت می‌کنیم (80906-80881)، فرمود) شما از انجام کار خود در مانده‌اید! چگونه کار دیگری را برایم کفایت می‌کنید؟ اگر رعایای پیش از من از ستم حاکمان می‌نالیدند، امروز من از رعیت خود می‌نالم، گویی من پیرو، و آنان حکمرانند، یا من محکوم و آنان فرمانروایانند (80936-80907).

وقتی سخن امام در یک سخنرانی طولانی که برخی از آن را در ضمن خطبه‌های گذشته آوردیم، به اینجا رسید.

(دو نفر از یاران جلو آمدند (80955-80937) و یکی گفت: من جز خود و برادرم را در اختیار ندارم، ای امیر المؤمنان فرمان ده تا هر چه خواهی انجام دهم، امام فرمود) شما کجا و آنچه من می‌خواهم کجا؟ (80978-80956)!

(3262)

حکومت 262

مشکل حق ناشناسی

¹ (۱) نخيله، جایی نزدیکی کوفه در سر راه شام، که لشکرگاه بود، سربازان و داوطلبان جنگ در آنجا گرد می‌آمدند و سازماندهی می‌شدند.

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (حارث بن حوت^۲ نزد امام آمد و گفت: آیا چنین پنداری که من اصحاب جمل را گمراه می‌دانم؟ چنین نیست، امام فرمود) (80996-80979) ای حارث! تو زیر پای خود را دیدی، اما به پیرامونت نگاه نکردی، پس سرگردان شدی (81006-80997)، تو حق را نشناختی تا بدانی که اهل حق چه کسانی می‌باشند؟ و باطل را نیز نشناختی تا باطل گرایان را بدانی.

(حارث گفت: من و سعد بن مالک،^۳ و عبد الله بن عمر، از جنگ کنار می‌رویم، امام فرمود) (81035-81007) همانا سعد و عبد الله بن عمر، نه حق را یاری کردند، و نه باطل را خوار ساختند (81049-81036).

(3263)

حکمت 263

مشکل هم نشینی با قدرتمندان

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: همنشین پادشاه، شیر سواری را ماند که دیگران حسرت منزلت او را دارند، ولی خود می‌داند که در جای خطرناکی قرار گرفته است (81062-81050).

(3264)

حکمت 264

نیکی به بازماندگان دیگران

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: به بازماندگان دیگران نیکی کنید، تا حرمت بازماندگان شما را نگاه‌دارند (81072-81063).

(3265)

^۲ (۲) ابن ابی الحدید در شرح خود و جاحظ در البیان ج ۳ ص ۱۲۱، حارث بن حوط ضبط کرده‌اند.

^۳ (۳) هدف سعد و قاص است که به انزوا گرایید.

حکمت 265

گفتار حکیمان و درمان

(علمی، درمانی) و درود خدا بر او، فرمود: گفتار حکیمان اگر درست باشد درمان^۴، و اگر نادرست، درد جان است (81089-81073).

(3266)

حکمت 266

روش صحیح پاسخ دادن

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی از امام پرسید که ایمان را تعریف کن) فردا نزد من بیا تا در جمع مردم پاسخ گویم، که اگر تو گفتارم را فراموش کنی دیگری آن را در خاطرش سپارد، زیرا گفتار چونان شکار رمنده است، یکی آن را به دست آورد، و دیگری آن را از دست می‌دهد (81120-81090).

(پاسخ امام در حکمت 31 آمد که آن را نقل کردیم که ایمان را بر چهار شعبه تقسیم کرد)

(81138-81121) (3267)

حکمت 267

پرهیز از حرص ورزی در کسب روزی

(اعتقادی، معنوی)

⁴ (۴) اشاره به علم: سوماتولوژی (SOMATOLOGY) (خاصیت شناسی).

(1) نخيله، جايي نزديكي كوفه در سر راه شام، كه لشگرگاه بود، سربازان و داوطلبان جنگ در آنجا گرد مي آمدند و سازماندهي مي شدند.

(2) ابن ابی الحديد در شرح خود و جاحظ در البيان ج 3 ص 121، حارث بن حوط ضبط کرده اند.

(3) هدف سعد وقاص است كه به انزوا گراييد.

(4) اشاره به علم: سوماتولوژی SOMATOLOGY (خاصیت شناسی).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 695

و درود خدا بر او، فرمود: ای فرزند آدم! اندوه روز نیامده را بر امروزت میفزا، زیرا اگر روز نرسیده، از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند (81165-81139).

(3268)

حکمت 268

اعتدال در دوستیها و دشمنیها

(اخلاق اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد (81178-81166)، و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد (81189-81179).

(3269)

حکمت 269

روش برخورد با دنیا

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود:

مردم در دنیا دو دسته‌اند، یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار کرد، و دنیا او را از آخرتش بازداشت، بر بازماندگان خویش از تهیدستی هراسان، و از تهیدستی خویش در امان است، پس زندگانی خود را در راه سود دیگران از دست می‌دهد (81220-81190).

و دیگری آن که در دنیا برای آخرت کار می‌کند، و نعمت‌های دنیا نیز بدون تلاش به او روی می‌آورد، پس بهره هر دو جهان را چشیده، و مالک هر دو جهان می‌گردد، و با آبرومندی در پیشگاه خدا صبح می‌کند، و حاجتی را از خدا درخواست نمی‌کند جز آن که روا می‌گردد (81250-81221).

(3270)

حکمت 270

ضرورت حفظ اموال کعبه

(تاریخی، فقهی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود:

(در زمان حکومت عمر، نسبت به فراوانی زیور و زینت‌های کعبه صحبت شد، گروهی گفتند آنها را برای لشکر اسلام مصرف کن، کعبه زر و زینت نمی‌خواهد، وقتی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسیدند، فرمود) (81289-81251) همانا قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی نازل گردید که اموال چهار قسم بود، اموال مسلمانان، که آن را بر اساس سهم هر یک از وارثان، تقسیم کرد، و غنیمت جنگی که آن را به نیازمندانش رساند، و خمس، که خدا جایگاه مصرف آن را تعیین فرمود، و صدقات، که خداوند راه‌های بخشش آن را مشخص فرمود (81325-81290).

و زیور آلات و زینت کعبه از اموالی بودند که خدا آن را به حال خود گذاشت، نه از روی فراموشی آن را ترک کرد، و نه از چشم خدا پنهان بود، تو نیز آن را به حال خود واگذار چنانکه خدا و پیامبرش آن را بحال خود واگذاشتند.

(عمر گفت: اگر تو نبودی رسوا می‌شدیم، و متعرض زیور آلات کعبه نشد)

(81359-81326) (3271)

حکمت 271

روش صحیح قضاوت

(قضایی) و درود خدا بر او، فرمود: (دو نفر دزد را خدمت امام آوردند که از بیت المال دزدی کرده بودند، یکی برده مردم، و دیگری برده‌ای جزو بیت المال بود، امام فرمود) (81360-81381) برده‌ای که از بیت المال است حدی بر او نیست، زیرا مال خدا مقداری از مال خدا را خورده است، اما دیگری باید حد دزدی با شدت بر او اجرا گردد (سپس دست او را برید) (81404-81382).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 697

(3272)

حکمت 272

ضرورت استقامت در برداشتن کجی‌ها

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر از این فتنه‌ها و لغزشگاه با قدرت بگذرم، دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آورم (81416-81405).

(3273)

حکمت 273

ضرورت توکل به خداوند

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: به یقین بدانید! خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت کوش و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آنچه که در علم الهی^۵ وعده فرمود، قرار نخواهد داد (81444-81417)، و میان بنده، هر چند ناتوان و کم سیاست باشد، و آنچه در قرآن برای او رقم زده

⁵ (۱) ذکر حکیم را به قرآن، علم الهی، لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند.

حایلی نخواهد گذاشت (81445-81464)، هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد، از همه مردم آسوده‌تر است و سود بیشتری خواهد برد. و آن که آن را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است (81465-81484)، چه بسا نعمت داده شده‌ای که گرفتار عذاب شود (81485-81490)، و بسا گرفتاری که در گرفتاری ساخته شده و آزمایش گردد (81491-81496)، پس ای کسی که از این گفتار بهرمنند می‌شوی، بر شکر گزاری بیفزای، و از شتاب بی جا دست بردار، و به روزی رسیده قناعت کن (81497-81510).

(3274)

حکمت 274

ضرورت عمل گرایی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: علم خود را نادانی، و یقین خود را شک و تردید مپندارید، پس هر گاه دانستید عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید (81511-81527).

(3275)

حکمت 275

ضد ارزش‌های اخلاقی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: طمع به هلاکت می‌کشاند و نجات نمی‌دهد، و به آنچه ضمانت کند، وفادار نیست (81528-81539)، و بسا نوشنده آبی که پیش از سیراب شدن گلو گیرش شد (81540-81546)، و ارزش آنچه که بر سر آن رقابت می‌کنند، هر چه بیشتر باشد، مصیبت از دست دادنش اندوهبارتر خواهد بود (81547-81556)، و آرزوها چشم بصیرت را کور می‌کند (81557-81561)، و آنچه روزی هر کسی است بی جستجو خواهد رسید (81562-81567).

(3276)

حکمت 276

پرهیز از دورویی‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: خدایا به تو پناه می‌برم که ظاهر من در برابر دیده‌ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می‌دارم، زشت باشد (81587-81568)، و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی، توجه مردم را به خود جلب نمایم، و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم، تا به بندگانت نزدیک، و از خشنودی تو دور گردم (81615-81588).

(3277)

حکمت 277

سوگند امام علیه السلام

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: نه، سوگند به خدایی که با قدرت او شب تاریک را به سر بردیم که روز سپیدی در پی داشت، چنین و چنان نبود (81636-81616)!

(3278)

حکمت 278

ارزش تداوم عمل

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: کار اندکی که ادامه یابد، از کار بسیاری که از آن به ستوه آیی امیدوار کننده‌تر است (81647-81637).

(1) ذکر حکیم را به قرآن، علم الهی، لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند.

(3279)

حکمت 279

شناخت جایگاه واجبات و مستحبات

(عبادی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه مستحبات به واجبات زیان رساند آن را ترک کنید (81655-81648).

(3280)

حکمت 280

یاد قیامت و آمادگی

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که به یاد سفر طولانی آخرت باشد خود را آماده می‌سازد (81663-81656).

(3281)

حکمت 281

برتری عقل از مشاهده چشم

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: اندیشیدن همانند دیدن نیست، زیرا گاهی چشم‌ها دروغ می‌نمایند، اما آن کس که از عقل نصیحت خواهد به او خیانت نمی‌کند (81681-81664).

(3282)

حکمت 282

غرور، آفت پندپذیری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: میان شما و پندپذیری، پرده‌ای از غرور و خودخواهی وجود دارد
(81691-81682).

(3283)

حکمت 283

علل سقوط جامعه

(اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: جاهلان شما پر تلاش، و آگاهان شما تن پرور و کوتاهی
ورزند (81699-81692)!

(3284)

حکمت 284

دانش نابود کننده عذرها

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: دانش، راه عذر تراشی را بهانه جویان بسته است (81706-
81700).

(3285)

حکمت 285

ضرورت استفاده از فرصت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند، و آنان که مهلت دارند
کوتاهی می‌ورزند (81718-81707)!

(3286)

حکمت 286

سرانجام خوشی‌ها

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم چیزی را نگفتند خوش باد، جز آن که روزگار، روز بدی را برای او تدارک دید (81735-81719).

(3287)

حکمت 287

مشکل درک قضا و قدر

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از قدر پرسیدند، پاسخ داد:) راهی است تاریک، آن را می‌پمایید، و دریایی است ژرف، وارد آن نوشید، و رازی است خدایی، خود را به زحمت نیندازید (81754-81736).

(3288)

حکمت 288

جهل و خواری

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه خدا بخواهد بنده‌ای را خوار کند، دانش را از او دور سازد (81764-81755).

(3289)

حکمت 289

الگوی کامل انسانیت

(اخلاقی، اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: در گذشته برادری دینی داشتم^۶ که در چشم من بزرگ مقدار بود چون دنیای حرام در چشم او بی‌ارزش می‌نمود (81783-81765)، و از شکم بارگی دور بود، پس آنچه را نمی‌یافت آرزو نمی‌کرد، و آنچه را می‌یافت زیاده روی نداشت (81799-81784). در بیشتر عمرش ساکت بود، اما گاهی که لب به سخن می‌گشود بر دیگر سخنوران برتری داشت، و تشنگی پرسش کنندگان را فرو می‌نشاند (81812-81800). به ظاهر ناتوان و مستضعف می‌نمود، اما در برخورد جدی چونان شیر پیشه می‌خروشید، یا چون مار بیابانی به حرکت در می‌آمد (81825-81813). تا پیش قاضی نمی‌رفت دلیلی مطرح نمی‌کرد (81831-81826)، و کسی را که عذری داشت سرزنش نمی‌کرد، تا آن که عذر او را می‌شنید (81845-81832)، از درد شکوه نمی‌کرد، مگر پس از تندرستی و بهبودی (81853-81846)، آنچه عمل می‌کرد می‌گفت، و بدانچه عمل نمی‌کرد چیزی نمی‌گفت (81864-81854)، اگر در سخن گفتن بر او پیشی می‌گرفتند در سکوت مغلوب نمی‌گردید (81874-81865).

(1) برخی گفته‌اند آن شخص ابوذر غفاری یا عثمان بن مظعون بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 701

و بر شنیدن بیشتر از سخن گفتن حریص بود (81884-81875). اگر بر سر دو راهی دو کار قرار می‌گرفت، می‌اندیشید که کدام یک با خواسته نفس نزدیک‌تر است با آن مخالفت می‌کرد (81895-81885)، پس بر شما باد روی آوردن به اینگونه از ارزش‌های اخلاقی، و با یکدیگر در کسب آنها رقابت کنید، و اگر نتوانستید، بدانید که به دست آوردن برخی از آن ارزش‌های اخلاقی بهتر از رها کردن همه است (81913-81896).

(3290)

حکمت 290

⁶ (۱) برخی گفته‌اند آن شخص ابوذر غفاری یا عثمان بن مظعون بود.

مسئولیت نعمت‌ها

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر خدا بر گناهان وعده عذاب هم نمی‌داد، لازم بود به خاطر سپاسگزاری از نعمت‌هایش نافرمانی نشود (81928-81914).

(3291)

حکمت 291

روش تسلیت گفتن

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (جهت تسلیت گفتن به اشعث بن قیس در مرگ فرزندش) (81940-81929) ای اشعث! اگر برای پسر تان وندوهناکی، به خاطر پیوند خویشاوندی سزاواری (81960-81941)، اما اگر شکیبیا باشی هر مصیبتی را نزد خدا پاداشی است. ای اشعث! اگر شکیبیا باشی تقدیر الهی بر تو جاری می‌شود و تو پاداش داده خواهی شد و اگر بی‌تابی کنی نیز تقدیر الهی بر تو جاری می‌شود و تو گناه کاری (81979-81961). ای اشعث! پسر تو را شاد می‌ساخت و برای تو گرفتاری و آزمایش بود، و مرگ او تو را اندوهگین کرد در حالی که برای تو پاداش و رحمت است (81995-81980).

(3292)

حکمت 292

عزای پیامبر علیه السلام و بی‌تابی‌ها

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (به هنگام دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) همانا شکیبایی نیکوست جز در غم از دست دادنت، و بی‌تابی ناپسند است جز در اندوه مرگ تو، مصیبت تو بزرگ، و مصیبت‌های پیش از تو و پس از تو ناچیزند (82027-81996).

(3293)

حکمت 293

دوستی با احمق هرگز!!

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: همنشین بی‌خرد مباش، که کار زشت خود را زیبا جلوه داده، دوست دارد تو همانند او باشی (82042-82028).

(3294)

حکمت 294

فاصله میان شرق و غرب

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: (از فاصله میان مشرق و مغرب پرسیدند، فرمود:) به اندازه یک روز رفتن خورشید (82057-82043).

(3295)

حکمت 295

شناخت دوستان و دشمنان

(اخلاقی اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: دوستان تو سه گروهند، و دشمنان تو نیز سه دسته‌اند، اما دوستانت: دوست تو و دوست دوست تو، و دشمن دشمن تو است، و اما دشمنانت، پس دشمن تو، و دشمن دوست تو، و دوست دشمن تو است (82082-82058).

(3296)

حکمت 296

پرهیز از دشمنی‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی را دید که چنان بر ضد دشمنش می‌کوشید که به خود زیان می‌رسانید، فرمود:) تو مانند کسی هستی که نیزه در بدن خود فرو برد تا دیگری را که در کنار اوست بکشد (82101-82083)!

(3297)

حکمت 297

ضرورت عبرت گرفتن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: عبرت‌ها چقدر فراوانند و عبرت پذیران چه اندک
(82110-82102)!

(3298)

حکمت 298

اعتدال در دشمنی‌ها

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که در دشمنی زیاده روی کند گناهکار، و آن کس که در دشمنی کوتاهی

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 703

کند ستمکار است (82123-82111)، و هر کس که بی‌دلیل دشمنی کند نمی‌تواند با تقوا باشد
(82131-82124)!

(3299)

حکمت 299

نماز در نگرانی‌ها

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: آنچه که بین من و خدا نارواست اگر انجام دهم و مهلت دو رکعت نماز داشته باشم که از خدا عافیت طلبم، مرا اندوهگین نخواهد ساخت (82146-82132).

(3300)

حکمت 300

شگفتی روزی بندگان

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند چگونه خدا با فراوانی انسان‌ها به حسابشان رسیدگی می‌کند؟ پاسخ داد:) آن چنانکه با فراوانی آنان روزیشان می‌دهد! (و باز پرسیدند چگونه به حساب انسان‌ها رسیدگی می‌کند که او را نمی‌بینند فرمود) همان گونه که آنان را روزی می‌دهد و او را نمی‌بینند (82174-82147)!

(3301)

حکمت 301

احتیاط در فرستادن پیک‌ها و نامه‌ها

(اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: فرستاده تو بیانگر میزان عقل تو (82180-82175)، و نامه تو گویاترین سخنگوی تو است (82186-82181)!

(3302)

حکمت 302

نیاز انسان به دعا

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که به شدت گرفتار دردی است نیازش به دعا بیشتر از تندرستی است که از بلا در امان است نمی‌باشد (82187-82203).

(3303)

حکمت 303

ارزش دنیا دوستی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم فرزندان دنیا هستند و هیچ کس را بر دوستی مادرش نمی‌توان سرزنش کرد (82204-82216).

(3304)

حکمت 304

ضرورت پاسخ دادن به درخواستها

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: نیازمندی که به تو روی آورده فرستاده خداست، کسی که از یاری او دریغ کند، از خدا دریغ کرده، و آن کس که به او بخشش کند، به خدا بخشیده است (82217-82234).

(3305)

حکمت 305

غیرتمندی و ترک زنا

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: غیرتمند هرگز زنا نمی‌کند (82235-82241).

(3306)

حکمت 306

نگهدارندگی أجل

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: اجل، نگهبان خوبی است (82247-82242).^۷

می‌گویم: معنای سخن امام این است که انسان بر کشته شدن فرزندان بردباری می‌کند اما در غارت و ربوده شدن اموال بردبار نیست.

(3307)

حکمت 307

مشکل مال غارت شده

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: آدم داغدار می‌خواهد، اما مال غارت شده، نمی‌خواهد (82259-82248).

می‌گویم: (معنای سخن امام علیه السلام این است که انسان بر کشته شدن فرزندان بردباری می‌کند اما در غارت و ربوده شدن اموال بردبار نیست) (82275-82260).

(3308)

حکمت 308

ره آورد دوستی پدران

⁷ (۱) در یکی از روزهای جنگ صفین، امام سوار بر اسب در میان میدان رجز می‌خواند و شمشیر را به گردن آویخته بود، یکی از یاران گفت: یا امیر المؤمنین! خود را حفظ کن. نکند شما را غافلگیر کنند. در پاسخ او جمله بالا را فرمود: «توحید صدوق ص ۲۶۴».

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: دوستی میان پدران، سبب خویشاوندی فرزندان است (82283-82276)، و خویشاوندی به دوستی نیازمندتر است از دوستی به خویشاوندی (82292-82284).

(3309)

حکمت 309

ارزش گمان مؤمن

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: از گمان مؤمنان پرهیزید که خدا حق را بر زبان آنان قرار داده است (82305-82293).

(3310)

حکمت 310

ضرورت اطمینان به وعده‌های الهی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: ایمان بنده‌ای درست نباشد جز آن که اعتماد او به آنچه در دست خداست بیشتر از آن باشد که در دست اوست (82323-82306).

(3311)

حکمت 311

نفرین امام علیه السلام

(اعتقادی)

(1) در یکی از روزهای جنگ صفین، امام سوار بر اسب در میان میدان رجز می‌خواند و شمشیر را به گردن آویخته بود، یکی از یاران گفت:

یا امیر المؤمنین! خود را حفظ کن. نکند شما را غافلگیر کنند. در پاسخ او جمله بالا را فرمود: «توحید صدوق ص 264».

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 705

و درود خدا بر او، فرمود: (چون به شهر بصره رسید خواست انس بن مالک را به سوی طلحه و زبیر بفرستد تا آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره آنان شنیده یادشان آورد، انس، سر باز زد و گفت من آن سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را فراموش کردم (82361-82324)، فرمود)⁸ اگر دروغ می‌گویی خداوند تو را به بیماری برص (سفیدی روشن) دچار کند که عمامه آن را نپوشاند.

(پس از نفرین امام (ع)، انس به بیماری برص در سر و صورت دچار شد، که همواره نقاب می‌زد)

(82391-82362) (3312)

حکمت 312

روانشناسی عبادات

(علمی، عبادی) و درود خدا بر او، فرمود: دل‌ها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن و فراری است، پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وادارید، و آنگاه که پشت کرده بی‌نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید (82411-82392).

(3313)

⁸ (۱) انس بن مالک در روز غدیر حضور داشت که رسول خدا فرمود

«أنت من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»^E اما هواپرستی بر او غلبه کرد و گفت از یادم رفته است.

حکمت 313

جامعیت قرآن

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: در قرآن اخبار گذشتگان، و آیندگان، و احکام مورد نیاز زندگی تان وجود دارد (82428-82412).

(3314)

حکمت 314

روش برخورد با متجاوز

(سیاسی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: سنگ را از همان جایی که دشمن پرت کرده، باز گردانید، که شر را جز شر پاسخی نیست (82442-82429).

(3315)

حکمت 315

روش نویسندگی

(علمی، هنری) و درود خدا بر او، فرمود: (به نویسنده خود عیبید الله بن ابی رافع دستور داد) در دوات، لایقه بینداز، نوک قلم را بلند گیر، میان سطرها فاصله بگذار، و حروف را نزدیک به یکدیگر بنویس، که این شیوه برای زیبایی خط بهتر است (82470-82443).

(3316)

حکمت 316

پیشوایی مؤمنان و تبهکاران

(اعتقادی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: من پیشوای مؤمنان، و مال، پیشوای تبهکاران است
(82480-82471).

می‌گویم: (معنای سخن امام این است که مؤمنان از من پیروی می‌کنند و بدکاران پیرو مال می‌باشند
آنگونه که زنبوران عسل از رئیس خود اطاعت دارند)

(82499-82481) (3317)

حکمت 317

اختلاف مسلمین و انحراف یهودیان

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی یهودی به امام گفت: هنوز پیامبران را دفن
نکرده، در باره‌اش اختلاف کردید، امام فرمود:) ما در باره آنچه که از او رسیده اختلاف کردیم، نه در
خود او، اما شما یهودیان، هنوز پای شما پس از نجات از دریای نیل خشک نشده بود که به پیامبران
گفتید: «برای ما خدایی بساز، چنانکه بت پرستان خدایی دارند!» و پیامبر شما گفت: «شما مردمی نادانید»
(82538-82500)

(3318)

حکمت 318

قاطعیت در مبارزات

(سیاسی، نظامی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند، با کدام نیرو بر حریفان خود پیروز شدی؟
فرمود) کسی را ندیدم جز آن که مرا در شکست خود یاری می‌داد (82554-82539)!

می‌گویم: (امام به این نکته اشاره کرد که هیبت و ترس او در دل‌ها جای می‌گرفت)

(82563-82555) (3319)

حکمت 319

ره آورد شوم تهیدستی

(اقتصادی)

(1) أنس بن مالک در روز غدیر حضور داشت که رسول خدا فرمود

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»

اما هواپرستی بر او غلبه کرد و گفت از یادم رفته است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 707

و درود خدا بر او، فرمود: (به پسرش محمد حنفیه سفارش کرد) ای فرزندا! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی⁹ است (82587-82564).

(3320)

حکمت 320

روش صحیح پرسیدن

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی مسئله پیچیده‌ای سؤال کرد، فرمود) برای فهمیدن پرس، نه برای آزار دادن (82600-82588)، که نادان آموزش گیرنده، همانند داناست، و همانا دانای بی‌انصاف چون نادان بهانه جو است (82612-82601)!

(3321)

⁹ (۱) داعية للمقت: بر انگیزاننده خشم است، خشم خدا، یا خشم بندگان خدا.

حکمت 321

قاطعیت رهبری در مشورت

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (عبد الله بن عباس در مسئله‌ای نظر داد که امام آن را قبول نداشت و فرمود) بر تو است که رأی خود را به من بگویی، و من باید پیرامون آن بیندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم باید اطاعت کنی (82637-82613)!.¹⁰

(3322)

حکمت 322

ضرورت تقویت روحیه مردم پس از جنگ

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (وقتی امام از جنگ صفین باز می‌گشت به محله شبامیان¹¹ رسید، آواز گریه زنان بر کشتگان جنگ را شنید، ناگاه حرب بن شرحبیل شامی بزرگ قبیله شبامیان خدمت امام رسید به او فرمود) (82670-82638) آیا آن گونه که می‌شنوم، زنان شما بر شما چیره شده‌اند؟ چرا آنان را از گریه و زاری باز نمی‌دارید؟ (حرب پیاده و امام سوار بر اسب می‌رفتند، به او فرمود) (82693-82671) باز گرد، که پیاده رفتن رییس قبیله‌ای چون تو پشت سر من، موجب انحراف زمامدار و زبونی مؤمن است (82704-82694).

(3323)

حکمت 323

علل انحراف خوارج

¹⁰ (۲) ابن عباس به امام پیشنهاد داد تا معاویه را بر کار خود باقی نگهدارد و پس از آرام شدن اوضاع مملکت، او را عزل کند، امام در پاسخ او این

سخن را فرمود. (تاریخ طبری ج ۶ ص ۳۰۸۹)

¹¹ (۳) شبامیان: قبیله‌ای از مردم همدان بودند.

(سیاسی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (در جنگ نهروان هنگامی که از کنار کشتگان خوارج می‌گذشت فرمود) بدا به حال شما! آن که شما را فریب داد به شما زیان رساند. (پرسیدند چه کسی آنان را فریفت، ای امیر المؤمنین علیه السلام؟ فرمود) (82728-82705) شیطان گمراه کننده، و نفسی که به بدی فرمان می‌دهد (82734-82729)، آنان را با آرزوها مغرور ساخت، و راه گناه را بر ایشان آماده کرد، و به آنان وعده پیروزی داد، و سرانجام به آتش جهنم گرفتارشان کرد (82746-82735).

(3324)

حکمت 324

خداترس در خلوتگاهها

(اعتقادی، اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: از نافرمانی خدا در خلوتها پرهیزید، زیرا همان که گواه است، داوری کند (82758-82747).

(3325)

حکمت 325

اندوه عزای محمد بن ابی بکر

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (آنگاه که خبر کشته شدن محمد بن ابی بکر را به او دادند فرمود) همانا اندوه ما بر شهادت او، به اندازه شادی شامیان است، جز آن که از آنان یک دشمن، و از ما یک دوست کم شد (82782-82759).

(3326)

حکمت 326

مهلت پذیرش توبه

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: عمری که خدا از فرزند آدم پوزش را می‌پذیرد شصت سال است (82795-82783).

(3327)

حکمت 327

پیروزیهای دروغین

(سیاسی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: پیروز نشد آن کس که گناه بر او چیرگی یافت، و آن کس که با بدی پیروز شد شکست خورده است (82808-82796).

(1) داعیه للمقت: بر انگیزاننده خشم است، خشم خدا، یا خشم بندگان خدا.

(2) ابن عباس به امام پیشنهاد داد تا معاویه را بر کار خود باقی نگهدارد و پس از آرام شدن اوضاع مملکت، او را عزل کند، امام در پاسخ او این سخن را فرمود. (تاریخ طبری ج 6 ص 3089)

(3) شبامیان: قبیله‌ای از مردم همدان بودند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 709

(3328)

حکمت 328

وظیفه سرمایه‌داران

(اقتصادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا خدای سبحان روزی فقراء را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران، و خداوند از آنان در باره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید (82834-82809).

(3329)

حکمت 329

بی‌نیازی از عذر خواهی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بی‌نیازی از عذر خواهی، گرامی‌تر از عذر راستین است (82844-82835).

(3330)

حکمت 330

مسئولیت نعمت‌ها

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود:

کمترین حق خدا بر عهده شما اینکه از نعمت‌های الهی در گناهان یاری نگیرید (82856-82845).

(3331)

حکمت 331

ارزش اطاعت و بندگی

(عبادی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خدای سبحان طاعت را غنیمت زیرکان قرار داد آنگاه که مردم ناتوان، کوتاهی کنند (82869-82857).

(3332)

حکمت 332

مسئولیت رهبری

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: حاکم اسلامی، پاسبان خدا در زمین اوست (82877-82870).

(3333)

حکمت 333

روانشناسی مؤمن

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (در توصیف مؤمن فرمود) شادی مؤمن در چهره او، و اندوه وی در دلش پنهان است، سینه‌اش از هر چیزی فراخ‌تر، و نفس او از هر چیزی خوارتر است. برتری جویی را زشت، و ریاکاری را دشمن می‌شمارد (82903-82878)، اندوه او طولانی، و همت او بلند است، سکوتش فراوان، و وقت او با کار گرفته است، شکرگزار و شکیبا و ژرف اندیش است. از کسی درخواست ندارد و نرم‌خو و فروتن است (82921-82904)، نفس او از سنگ خارا سخت‌تر اما در دینداری از بنده خوارتر است (82930-82922).

(3334)

حکمت 334

یاد مرگ و آرزوها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر بنده خدا أجل و پایان کارش را می‌دید، با آرزو و فریب آن دشمنی می‌ورزید (82943-82931).

(3335)

حکمت 335

آفات اموال

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: برای هر کسی در مال او دو شریک است: وارث، و حوادث
(82954-82944).

(3336)

حکمت 336

مسئولیت وعده دادن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که چیزی از او خواسته‌اند تا وعده نداده آزاد است
(82961-82955).

(3337)

حکمت 337

ضرورت عمل گرایی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: دعوت کننده بی عمل، چون تیر انداز بدون کمان است
(82970-82962).

(3338)

حکمت 338

اقسام علم

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: علم دو گونه است: علم فطری و علم اکتسابی، علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری^{۱۲} نباشد سودمند نخواهد بود (82986-82971).

(3339)

حکمت 339

قدرت و حاکمیت اندیشه

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: استواری رأی با کسی است که قدرت و دارایی دارد، با روی آوردن قدرت،

(1) علمی که انسان در طبیعت و فطرت خود آن را می‌یابد و زمینه‌های یافتن آن را دارد (مطبوع) است، و علمی که با درس و بحث آن را بدست می‌آورد (مسموع) می‌باشد، اشاره به علم: این تیوشن INTUITION (علم حضوری، درک مستقیم) و برگسونیسم BERGSONISM (درون بینی یا درک مستقیم) و اشاره به اکتسابی بودن برخی از علوم (اکویرد ACQUIRED) علم اکتسابی و (نیچرال ساینس NATURAL SCIENCE).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 711

روی آورد، و با پشت کردن آن روی بر تابد (82997-82987).

(3340)

حکمت 340

ارزش پاکدامنی و شکرگزاری

¹² (۱) علمی که انسان در طبیعت و فطرت خود آن را می‌یابد و زمینه‌های یافتن آن را دارد (مطبوع) است، و علمی که با درس و بحث آن را بدست می‌آورد (مسموع) می‌باشد، اشاره به علم: این تیوشن INTUITION (علم حضوری، درک مستقیم) و برگسونیسم BERGSONISM (درون بینی یا درک مستقیم) و اشاره به اکتسابی بودن برخی از علوم (اکویرد ACQUIRED) علم اکتسابی و (نیچرال ساینس NATURAL SCIENCE).

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: پاکدامنی زیور تهیدستی، و شکرگزاری زیور بی‌نیازی
(ثروت‌مندی) است (83007-82998).

(3341)

حکمت 341

روز دردناک ظالم

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: روز انتقام گرفتن از ظالم سخت‌تر از ستمکاری بر مظلوم است
(83020-83008).

(3342)

حکمت 342

راه بی‌نیازی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: برترین بی‌نیازی و دارایی، نومی‌دی است از آنچه در دست
مردم است (83030-83021).

(3343)

حکمت 343

شناخت مردم و ضد ارزشها

(سیاسی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: گفتارها نگهداری می‌شود، و نهان‌ها آشکار، و هر کسی در
گرو اعمال خویش است (83044-83031)، و مردم گرفتار کمبودها و آفت‌هایند جز آن را که خدا
نگهدارد، در خواست کنندگان‌شان مردم آزار، و پاسخگویان به زحمت و رنج دچارند (83057-
83045)، و آن کس که در اندیشه از همه برتر است با اندک خشنودی یا خشمی از رأی خود باز

می‌گردد. و آن کس که از همه استوارتر است از نیم‌نگاهی ناراحت شود یا کلمه‌ای او را دگرگون سازد
(83077-83058).

(3344)

حکمت 344

ضرورت توجه به فناپذیری دنیا

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: ای مردم از خدا بترسید، چه بسا آرزومندی که به آرزوی
خود نرسید، و سازنده ساختمانی که در آن مسکن نکرد، و گرد آورنده‌ای که زود آنچه را گرد آورده
رها خواهد کرد، شاید که از راه باطل گرد آورده، و یا حق دیگران را باز داشته، و با حرام به هم آمیخته،
که گناهش بر گردن اوست (83115-83078)، و با سنگینی بار گناه در می‌گذرد، و با پشیمانی و
حسرت به نزد خدا می‌رود که:

«در دنیا و آخرت زیان کرده و این است زیانکاری آشکار»

(83132-83116) (3345)

حکمت 345

یکی از راههای پاک ماندن

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: دست نیافتن به گناه نوعی عصمت است (83139-83133).

(3346)

حکمت 346

مشکلات درخواست کردن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: آبروی تو چون یخی جامد است که درخواست آن را قطره قطره آب می‌کند، پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می‌ریزی؟ (83151-83140).

(3347)

حکمت 347

جایگاه ستایش

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است (83166-83152).

(3348)

حکمت 348

سخت‌ترین گناه

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: سخت‌ترین گناه، آن که گناهکار آن را کوچک بشمارد (83175-83167).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 713

(3349)

حکمت 349

الگوی انسان کامل

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که در عیب خود بنگرد از عیب جویی دیگران باز ماند (83187-83176)، و کسی که به روزی خدا خشنود باشد بر آنچه از دست رود اندوهگین نباشد (83197-83188)، و کسی که شمشیر ستم بر کشد با آن کشته شود (83204-83198)، و آن کس

که در کارها خود را به رنج اندازد خود را هلاک سازد (83209-83205)، و هر کس خود را در گردابه‌های بلا افکند غرق گردد (83214-83210)، و هر کس به جاهای بد نام قدم گذاشت متهم گردید (83220-83215).

و کسی که زیاد سخن می‌گوید زیاد هم اشتباه دارد، و هر کس که بسیار اشتباه کرد، شرم و حیاء او اندک است، و آن که شرم او اندک، پرهیزکاری او نیز اندک خواهد بود، و کسی که پرهیزکاری او اندک است دلش مرده، و آن که دلش مرده باشد. در آتش جهنم سقوط خواهد کرد (83250-83221). و آن کس که زشتی‌های مردم را بنگرد، و آن را زشت بشمارد سپس همان زشتی‌ها را مرتکب شود، پس او احمق واقعی است (83263-83251). قناعت، مالی است که پایان نیابد (83268-83264)، و آن کس که فراوان به یاد مرگ باشد در دنیا به اندک چیزی خشنود است (83278-83269)، و هر کس بداند که گفتار او نیز از اعمال او به حساب می‌آید جز به ضرورت سخن نگوید (83290-83279).

(3350)

حکمت 350

روانشناسی مردان ستمکار

(سیاسی، اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم ستمکار را سه نشان است: با سرکشی به ما فوق خود ستم روا دارد، و به زیردستان خود با زور و چیرگی ستم می‌کند، و ستمکاران را یاری می‌دهد (83310-83291).

(3351)

حکمت 351

امیدواری در سختی‌ها

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: چون سختی‌ها به نهایت رسد، گشایش پدید آید، و آن هنگام که حلقه‌های بلا تنگ گردد آسایش فرا رسد (83325-83311).

(3352)

حکمت 352

اعتدال در پرداخت به امور خانواده

(اخلاق اجتماعی، خانوادگی) و درود خدا بر او، فرمود: (به برخی از یاران خود فرمود) بیشترین اوقات زندگی را به زن و فرزندت اختصاص مده، زیرا اگر زن و فرزندت از دوستان خدا باشند خدا آنها را تباه نخواهد کرد، و اگر دشمنان خدایند، چرا غم دشمنان خدا را می‌خوری؟ (83326-83360)!

(3353)

حکمت 353

بزرگترین عیب

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: بزرگ‌ترین عیب آن که چیزی را که در خود داری، بر دیگران عیب بشماری (83361-83370)!

(3354)

حکمت 354

روش تبریک گفتن در تولد فرزند

(اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (در حضور امام، شخصی با این عبارت، تولد نوزادی را تبریک گفت «قدم دلاوری یکه سوار مبارک باد»^{۱۳} چنین مگو! بلکه بگو: خدای بخشنده را شکر گزار، و نوزاد بخشیده بر تو مبارک، امید که بزرگ شود و از نیکوکاری‌اش بهرمنند گردی (83371-83403)!

(3355)

¹³ (۱) نوشتند، وقتی خدا به امام حسن مجتبی فرزند عطا کرد، برخی با رسوم جاهلی او را تبریک گفتند که امام این رهنمود را مطرح فرمود.

حکمت 355

پرهیز از تجمل گرایی

(اقتصادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (وقتی یکی از کارگزاران امام خانه با شکوهی ساخت به او فرمود) سکه‌های طلا و نقره سر بر آورده خود را آشکار ساختند، همانا ساختمان مجلل بی‌نیازی و ثروتمندی تو را می‌رساند (83420-83404).

(3356)

حکمت 356

قدرت خداوند در روزی رسانی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند اگر در خانه مردی را به رویش بندند، روزی او از کجا خواهد آمد؟ فرمود)

(1) نوشتند، وقتی خدا به امام حسن مجتبی فرزند عطا کرد، برخی با رسوم جاهلی او را تبریک گفتند که امام این رهنمود را مطرح فرمود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 715

از آن جایی که مرگ او می‌آید (83444-83421)!

(3357)

حکمت 357

روش تسلیت گفتن

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (مردمی را در مرگ یکی از خویشاوندانشان چنین تسلیم گفت) مردن از شما آغاز نشده، و به شما نیز پایان نخواهد یافت. این دوست شما به سفر می‌رفت، اکنون پندارید که به یکی از سفرها، رفته، اگر او باز نگردد، شما به سوی او خواهید رفت (83480-83445).

(3358)

حکمت 358

مسئولیت نعمت‌ها

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: ای مردم، باید خدا شما را به هنگام نعمت همانند هنگامه کیفر، ترسان بنگرد (83495-83481).

زیرا کسی که رفاه و گشایش را زمینه گرفتار شدن خویش نداند، پس خود را از حوادث ترسناک ایمن می‌پندارد (83509-83496)، و آن کس که تنگدستی را آزمایش الهی نداند پاداشی را که امیدی به آن بود از دست خواهد داد (83523-83510).

(3359)

حکمت 359

راه خودسازی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: ای اسیران آرزوها، بس کنید! زیرا صاحبان مقامات دنیا را تنها دندان حوادث روزگار به هراس افکند (83541-83524)، ای مردم کار تربیت خود را خود بر عهده گیرید، و نفس را از عادت‌هایی که به آن حرص دارد باز گردانید (83553-83542).

(3360)

حکمت 360

ضرورت پرهیز از بدگمانی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد، گمان بد ببری، چرا که برای آن برداشت نیکویی می توان داشت (83570-83554).

(3361)

حکمت 361

روش خواستن از خدا

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه از خدای سبحان درخواستی داری، ابتدا بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرست، سپس حاجت خود را بخواه، زیرا خدا بزرگوارتر از آن است که از دو حاجت درخواست شده، یکی را برآورد و دیگری را باز دارد (83601-83571).

(3362)

حکمت 362

ضرورت پرهیز از جدال و درگیری

(اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس که از آبروی خود بیمناک است از جدال پرهیزد (83609-83602).

(3363)

حکمت 363

نشانه بی خردی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: شتاب پیش از توانایی بر کار، و سستی پس از به دست آوردن فرصت از بی خردی است (83621-83610).

(3364)

حکمت 364

جایگاه پرسیدن

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: از آنچه پدید نیامده نپرس، که آنچه پدید آمده برای سرگرمی تو کافی است (83635-83622).

(3365)

حکمت 365

ارزش‌های اخلاقی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: اندیشه، آینه‌ای شفاف (83641-83636) و عبرت از حوادث، بیم دهنده‌ای خیر اندیش است (83645-83642)، و تو را در ادب کردن نفس همان بس که از آنچه انجام دادنش را برای دیگران نمی‌پسندی بپرهیزی (83653-83646).

(3366)

حکمت 366

هماهنگی علم و عمل

(عملی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: علم و عمل پیوندی نزدیک دارند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 717

و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخش داد می‌ماند و گر نه کوچ می‌کند (83672-83654).

(3367)

حکمت 367

روش برخورد با دنیا

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: ای مردم، کالای دنیای حرام چون برگ‌های خشکیده و با خیز است، پس از چراگاه آن دوری کنید، که دل کندن از آن لذت بخش‌تر از اطمینان داشتن به آن است، و به قدر ضرورت از دنیا برداشتن بهتر از جمع آوری سرمایه فراوان است (83693-83673).

آن کس که از دنیا زیاد برداشت به فقر محکوم است، و آن کس که خود را از آن بی‌نیاز انگاشت در آسایش است (83704-83694)، و آن کس که زیور دنیا دیدگانش را خیره سازد دچار کور دلی گردد (83710-83705)، و آن کس که به دنیای حرام عشق ورزید، درونش پر از اندوه شد، و غم و اندوه‌ها در خانه دلش رقصان گشت، که از سویی سرگرمش سازند، و از سویی دیگر رهایش نمایند، تا آنجا که گلویش را گرفته در گوشه‌ای بمیرد، رگ‌های حیات او قطع شده، و نابود ساختن او بر خدا آسان، و به گور انداختن او به دست دوستان است (83744-83711).

اما مؤمن با چشم عبرت به دنیا می‌نگرد، و از دنیا به اندازه ضرورت برمی‌دارد، و سخن دنیا را از روی دشمنی می‌شنود (83764-83745)، چرا که تا گویند سرمایه دار شد، گویند تهیدست گردید، و تا در زندگی شاد می‌شوند، با فرا رسیدن مرگ غمگین می‌گردند، و این اندوه چیزی نیست که روز پریشانی و نومیدی هنوز نیامده است (83784-83765).

(3368)

حکمت 368

فلسفه کیفر و پاداش

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، و کیفر را بر نافرمانی قرار داد، تا بندگان را از عذابش برهاند، و به سوی بهشت کشاند (83807-83785).

(3369)

حکمت 369

خبر از مسخ ارزش‌ها

(اجتماعی، تاریخی سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی، و از اسلام جز نامی، باقی نخواهد ماند (83826-83808). مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران است.

مسجد نشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین می‌باشند (83841-83827)، که کانون هر فتنه، و جایگاه هر گونه خطاکاری‌اند، هر کس از فتنه بر کنار است او را به فتنه باز گردانند، و هر کس که از فتنه عقب مانده او را به فتنه‌ها کشانند، که خدای بزرگ فرماید:

«به خودم سوگند، بر آنان فتنه‌ای بگمارم که انسان شکیبیا در آن سرگردان ماند!» و چنین کرده است (83875-83842)، و ما از خدا می‌خواهیم که از لغزش غفلت‌ها در گذرد (83881-83876).

(3370)

حکمت 370

هدفداری انسان و ضرورت تقوا

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (نقل کردند که امام علیه السلام کمتر بر منبری می‌نشست که پیش از سخن این عبارت را نگوید: (83893-83882) ای مردم! از خدا بترسید، هیچ کس بیهوده آفریده نشد تا به بازی پردازد، و او را به حال خود وانگذاشته‌اند تا خود را سرگرم کارهای بی‌ارزش نماید (83907-83894)، و دنیایی که در دیده‌ها زیباست، جایگزین آخرتی نشود که آن رازش می‌انگارند (83921-83908)، و مغروری که در دنیا به بالاترین مقام رسیده،

چون کسی نیست که در آخرت به کمترین نصیبی رسیده است (83937-83922).

(3371)

حکمت 371

ارزش‌های والای اخلاقی

(اخلاقی، معنوی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود:

هیچ شرافتی برتر از اسلام، و هیچ عزتی گرامی‌تر از تقوا، و هیچ سنگری نیکوتر از پارسایی، و هیچ شفاعت‌کننده‌ای کار سازتر از توبه (83963-83938)، و هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت، و هیچ مالی در فقر زدایی، از بین برنده‌تر از رضایت دادن به روزی نیست (83977-83964).

و کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد به آسایش دست یابد، و آسوده خاطر گردد (83990-83978)، در حالی که دنیا پرستی کلید دشواری، و مرکب رنج و گرفتاری است (83997-83991)، و حرص ورزی و خود بزرگ بینی و حسادت، عامل بی‌پروایی در گناهان است (84008-83998)، و بدی، جامع تمام عیب‌ها است (84013-84009).

(3372)

حکمت 372

عوامل استحکام دین و دنیا

(علمی، اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: (به جابر بن عبد الله انصاری فرمود) ای جابر! استواری دین و دنیا به چهار چیز است: عالمی که به علم خود عمل کند، و جاهلی که از آموختن سرباز نزند، و بخشنده‌ای که در بخشش بخل نورزد، و فقیری که آخرت خود را به دنیا نفروشد (84048-84014).

پس هر گاه عالم علم خود را تباه کند، نادان به آموختن روی نیاورد، هر گاه بی‌نیاز در بخشش بخل ورزد، تهیدست آخرت خویش را به دنیا فروشد (84065-84049).

ای جابر! کسی که نعمت‌های فراوان خدا به او روی کرد، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد، پس اگر صاحب نعمتی حقوق واجب الهی را بپردازد، خداوند نعمت‌ها را بر او جاودانه سازد، و آن کس که حقوق واجب الهی در نعمت‌ها را نپردازد، خداوند، آن را به زوال و نابودی کشاند (84098-84066).

(3373)^{۱۴}

نهج البلاغه / ترجمه دشتی ؛ ؛ ص 719

حکمت 373

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (ابن جریر طبری در تاریخ خود از عبد الرحمن بن ابی لیلی فقیه نقل کرد، که برای مبارزه با حجاج به کمک ابن اشعث برخاست (84121-84099)^{۱۵}، برای تشویق مردم گفت من از علی علیه السلام «که خداوند درجاتش را در میان صالحان بالا برد، و ثواب شهیدان و صدیقان به او عطا فرماید» در حالی که با شامیان رو برو شدیم شنیدم که فرمود (84149-84122) ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد، و شاهد دعوت به منکری باشد، و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است (84167-84150)، و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش آن داده خواهد شد، و از اولی برتر است (84178-84168)، و آن کس که با شمشیر به انکار بر خیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او را رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده (84206-84179).

¹⁴ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، جلد ۱، مشهور - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.

¹⁵ (۱) عبد الرحمان، پدرش از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و از پیامبر حدیث نقل کرده، و در رکاب امام علی علیه السلام در جنگ جمل حضور داشت، عبد الرحمان بر ضد عبد الملك مروان با همدستی ابن اشعث قیام کرد و در واقعه «دیر جمجم» در سال ۸۳ هجری کشته شد.

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (و همانند حکمت گذشته، سخن دیگری از امام نقل شد) گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند، آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود

(1) عبد الرحمان، پدرش از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و از پیامبر حدیث نقل کرده، و در رکاب امام علی علیه السلام در جنگ جمل حضور داشت، عبد الرحمان بر ضد عبد الملک مروان با همدستی ابن أشعث قیام کرد و در واقعه «دیر جماجم» در سال 83 هجری کشته شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 721

گرد آورده‌اند (84226-84207). گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی‌برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است (84244-84227). و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت را که شریف‌تر است تباه ساخته‌اند و یک خصلت را به دست آورده‌اند (84263-84245). و بعضی دیگر منکر را با زبان و قل و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان، مرده‌ای میان زندگان است (84276-84264)^{۱۶}.

و تمام کارهای نیکو، و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای^{۱۷} بر دریای موج و پهناور است (84298-84277)، و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک

¹⁶ (۱) شخصی در میان سخنرانی امام برخاست و پرسید: میت الاحیاء (زندگان مرده) چه کسانی هستند، امام سخنرانی را قطع کرد و پاسخ او را داد.

¹⁷ (۲) نَفْثَةٌ یعنی آب دهانی که آن را بیرون اندازد.

می‌کنند، و نه از مقدار روزی می‌کاهند، و از همه اینها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است (84325-84299).

(3375)

حکمت 375

مراحل شکست در مبارزه

(سیاسی، نظامی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (از ابی جحیفه¹⁸ نقل شد، گفت از امیر مؤمنان شنیدم که فرمود (84335-84326) علیهم السلام) اولین مرحله از جهاد که در آن باز می‌مانید، جهاد با دستانتان، سپس جهاد با زبان، و آنگاه جهاد با قلب‌هایتان می‌باشد (84347-84336)، پس کسی که با قلب، معروفی را ستایش نکند، و منکری را انکار نکند، قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین، و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت (84363-84348).

(3376)

حکمت 376

سر انجام حق و باطل

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: حق سنگین اما گواراست، و باطل، سبک اما کشنده (84375-84364).

(3377)

حکمت 377

¹⁸ (۳) نام او وهب بن عبد الله سوائی است که زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که کودک بود درك کرد، امیر المؤمنین علیه السلام او را بر بیت المال کوفه گمارد و او را وهب الخیر می‌نامید که در سال ۷۲ هجری درگذشت.

« قاموس الرجال ج ۹ ص ۲۶۴ »

ضرورت ترسیدن از عذاب الهی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: بر بهترین افراد این امت از عذاب الهی ایمن باشید زیرا که خدای بزرگ فرمود.

«از کیفر خدا ایمن نیستند جز زیانکاران» (84395-84376) و بر بدترین افراد این امت از رحمت خدا نومید باشید زیرا که خدای بزرگ فرمود.

«همانا از رحمت خدا نومید نباشند جز کافران»

(84415-84396) (3378)

حکمت 378

آثار شوم بخل ورزی

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: بخل ورزیدن کانون تمام عیب‌ها، و مهاری است که انسان را به سوی هر بدی می‌کشاند (84430-84416).

(3379)

حکمت 379

اقسام روزی و پرهیز از حرص زدن

(اقتصادی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود:

ای فرزند آدم! روزی دو گونه است، روزی که تو آن را جویی، و روزی که تو را می‌جوید، که اگر به سراغش نروی به سوی تو آید (84447-84431).

پس اندوه سال خود را بر اندوه امروزت منه، که بر طرف کردن اندوه هر روز از عمر تو را کافی است. اگر سال آینده در شمار عمر تو باشد همانا خدای بزرگ در هر روز سهم تو را خواهد داد،

(1) شخصی در میان سخنرانی امام برخاست و پرسید: میت الاحیاء (زندگان مرده) چه کسانی هستند، امام سخنرانی را قطع کرد و پاسخ او را داد.

(2) نفثه یعنی آب دهانی که آن را بیرون اندازد.

(3) نام او وهب بن عبد الله سوائی است که زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که کودک بود درک کرد، امیر المؤمنین علیه السلام او را بر بیت المال کوفه گمارد و او را وهب الخیر می‌نامید که در سال 72 هجری درگذشت.

«قاموس الرجال ج 9 ص 264»

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 723

و اگر از شمار عمرت نباشد تو را با اندوه آنچه کار است؟ (84489-84448) که هرگز جوینده‌ای در گرفتن سهم روزی تو بر تو پیشی نگیرد، و چیره شونده‌ای بر تو چیره نگردد، و آنچه برای تو مقدر گشته بی‌کم و کاست به تو خواهد رسید (84508-84490).

می‌گوییم: (این سخن امام علیه السلام در حکمت 267 آمده، اما چون در اینجا همان مفاهیم آشکارتر و روشن‌تر بیان گردید آن را بر اساس روشی که در آغاز کتاب تذکر دادیم آوردیم) (84534-84509).

(3380)

حکمت 380

ضرورت یاد مرگ

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: چه بسیار کسانی که در آغاز روز بودند و به شامگاه نرسیدند (84542-84535)، و چه بسیار کسانی که در آغاز شب بر او حسد می‌بردند و در پایان شب عزاداران به سوگشان نشستند (84551-84543).

(3381)

حکمت 381

ضرورت راز داری و کنترل زبان

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: سخن در بند توسست، تا آن را نگفته باشی، و چون گفתי، تو در بند آنی (84567-84552)، پس زبانت را نگهدار چنانکه طلا و نقره خود را نگه می‌داری، زیرا چه بسا سخنی که نعمتی را طرد یا نعمتی را جلب کرد (84578-84568).

(3382)

حکمت 382

ارزش سکوت

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: آنچه نمی‌دانی مگو، بلکه همه آنچه را که می‌دانی نیز مگو، زیرا خداوند بزرگ بر اعضاء بدن چیزهایی را واجب کرده که از آنها در روز قیامت بر تو حجت آورد (84607-84582).

(3383)

حکمت 383

تلاش در اطاعت و بندگی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: بترس که خداوند تو را به هنگام گناهان بنگرد، و در طاعت خویش نیابد، آن گاه از زیانکاری (84623-84608)، هر گاه نیرومند شدی توانت را در طاعت پروردگار به کار گیر، و هر گاه ناتوان گشتی، ناتوانی را در نافرمانی خدا قرار ده (84637-84624).

(3384)

حکمت 384

راه چگونه زیستن

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: به دنیا آرامش یافتن در حالی که ناپایداری آن مشاهده می‌گردد، از نادانی است (84648-84638)، و کوتاهی در اعمال نیکو با وجود یقین به پاداش آن، زیانکاری است، و قبل از آزمودن اشخاص، اطمینان پیدا کردن از عجز و ناتوانی است (84667-84649).

(3385)

حکمت 385

دنیا شناسی

(علمی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: از خواری دنیا نزد خدا همان بس که جز در دنیا، نافرمانی خدا نکنند، و جز با رها کردن دنیا به پاداش الهی نتوان رسید (84687-84668).

(3386)

حکمت 386

ضرورت استقامت

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: جوینده چیزی یا به آن یا به برخی از آن، خواهد رسید
(84696-84688).

(3387)

حکمت 387

شناخت خوبی‌ها و بدی‌ها

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خیری که در پی آن آتش باشد، خیر نخواهد بود، و شری که در پی آن بهشت است شر نخواهد بود (84710-84697)، و هر نعمتی بی‌بهشت ناچیز است، و هر بلایی بی‌جهنم، عافیت است (84723-84711).

(3388)

حکمت 388

فقر زدایی و سلامت

(اقتصادی، بهداشتی) و درود خدا بر او، فرمود: آگاه باشید که فقر نوعی بلا است. و سخت‌تر از تنگدستی بیماری تن و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری قلب است (84745-84724)، آگاه باشید که همانا عامل تندرستی تن، تقوای دل است (84753-84746).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 725

(3389)

حکمت 389

ضرورت عمل‌گرایی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که کردارش او را به جایی نرساند، بزرگی خاندانش، او را به پیش نخواهد راند.

[در نقل دیگری آمده که] (84754-84768) آن کس که ارزش خویش را دست بدهد، بزرگی خاندانش او را سودی نخواهد رساند (84769-84776).

(3390)

حکمت 390

برنامه ریزی صحیح در زندگی

(اخلاقی، اجتماعی، اخلاق خانواده) و درود خدا بر او، فرمود: مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذتهایی که حلال و مایه زیبایی است (84777-84802). خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال (84803-84822).

(3391)

حکمت 391

ضرورت ترک حرام و غفلت زدگی

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: از حرام دنیا چشم پوش، تا خدا زشتی‌های آن را به تو نمایاند (84823-84831)، و غافل مباش که لحظه‌ای از تو غفلت نشود (84832-84837).

(3392)

حکمت 392

راه شناخت انسان‌ها (سخن گفتن)

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: سخن بگویید تا شناخته شوید، زیرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است (84847-84838).

(3393)

حکمت 393

روش برخورد با دنیا

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: از دنیا آن مقدار که به تو می‌رسد، بردار، و از آنچه پشت کند، روی گردان، و اگر نتوانی، در جستجوی دنیا نیکو تلاش کن (84867-84848). (و از خداوند اندازه آن در نگذر).

(3394)

حکمت 394

ارزش سخن

(علمی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: بسا سخن که از حمله مسلحانه کارگتر است (84875-84868).

(3395)

حکمت 395

ارزش قناعت

(اقتصادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هر مقدار که قناعت کنی کافی است (84882-84876).

(3396)

حکمت 396

راه خوب زیستن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مرگ بهتر از تن به ذلت دادن (84883-84889) و به اندک ساختن بهتر از دست نیاز به سوی مردم داشتن است (84894-84890). اگر به انسان نشستہ در جای خویش چیزی ندهند. با حرکت و تلاش نیز نخواهند داد (84902-84895)، روزگار دو روز است، روزی به سود تو، و روزی به زیان تو است، پس آنگاه که به سود تو است به خوشگذرانی و سرکشی روی نیاور، و آنگاه که به زیان تو است شکیبیا باش (84920-84903).

(3397)

حکمت 397

عطر خوب

(تجمل و زیبایی، بهداشتی) و درود خدا بر او، فرمود: چه خوب است عطر مشک، تحمل آن سبک و آسان، و بوی آن خوش و عطر آگین است (84930-84921).

(3398)

حکمت 398

ترک غرور و یاد مرگ

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: فخر فروشی را کنار بگذار، تکبر و خود بزرگ بینی را رها کن، به یاد مرگ باش (84941-84931).

(3399)

حکمت 399

حقوق متقابل پدر و فرزند

(اخلاقی، حقوقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا فرزند را به پدر، و پدر را به فرزند حقی است (84955-84942). حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند (84969-84956)، و حق فرزند بر پدر آن که نام نیکو

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 727

بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند، و او را قرآن بیاموزد (84983-84970)^{۱۹}.

(3400)

حکمت 400

شناخت واقعیت‌ها و خرافات

(علمی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: چشم زخم حقیقت دارد، استفاده از نیروهای مرموز طبیعت حقیقت دارد، سحر و جادو وجود دارد^{۲۰}، و فال نیک راست است (84997-84984)، و رویداد بد را بد شگون دانستن، درست نیست (85005-84998)، بوی خوش درمان و نشاط آور، عسل درمان کننده و نشاط آور، سواری بهبودی آور، و نگاه به سبزه زار درمان کننده و نشاط آور است (85019-85006).

(3401)

حکمت 401

ضرورت هماهنگی با مردم

¹⁹ (۱) نقد تفکر: پاترنالیزم PATERNALISM (پدر سالاری) بلکه در روابط پدر و فرزند حقوق متقابل مطرح است.

²⁰ (۲) اشاره به علم: ماجیک لوژی LOGY-MAGI C (سحر شناسی)

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های آنان است (85029-85020).

(3402)

حکمت 402

ضرورت موقعیت‌شناسی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی در حضور امام سخنی بزرگتر از شأن خود گفت، فرمود) پر در نیاورده پرواز کردی، و در خردسالی آواز بزرگان سر دادی (85049-85030)!

(شکیر، نخستین پرهایی است که بر بال پرنده می‌روید و نرم و لطیف است و سقب، شتر خردسال است زیرا شتر بانگ در نیاورد تا بالغ شود).

(85077-85050) (3403)

حکمت 403

پرهیز از کارهای گوناگون

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که به کارهای گوناگون پردازد، خوار شده، پیروز نمی‌گردد (85086-85078)!

(3404)

حکمت 404

تفسیر لا حول و لا قوة الا بالله

(علمی، تفسیری) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام معنی لا حول و لا قوة الا بالله، را پرسیدند. پاسخ داد:) (85102-85087) ما برابر خدا مالک چیزی نیستیم، و مالک چیزی نمی‌شویم جز آنچه او به ما

بخشیده است، پس چون خدا چیزی به ما ببخشد که خود سزاوارتر است، وظایفی نیز بر عهده ما گذاشته، و چون آن را از ما گرفت تکلیف خود را از ما بر داشته است (85129-85103).

(3405)

حکمت 405

جاهلان متظاهر به دین

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (چون عمار پسر یاسر با مغیره بن شعبه^{۲۱} بحث می‌کرد و پاسخ او را می‌داد، امام به او فرمود) ای عمار! مغیره را رها کن، زیرا او از دین به مقداری که او را به دنیا نزدیک کند، برگرفته، و به عمد حقائق را بر خود پوشیده داشت، تا شبّهات را بهانه لغزش‌های خود قرار دهد (85166-85130).

(3406)

حکمت 406

اخلاق تهیدستان و توانگران

(اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: چه نیکو است فروتنی توانگران برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی، و نیکوتر از آن خویشتنداری مستمندان برابر توانگران برای توکل به خداوند است (85188-85167).

(3407)

حکمت 407

ارزش عقل

²¹ (۳) مغیره بن شعبه یکی از چهار نفری است که به مکر و حیله و زیرکی چونان معاویه و عمرو عاص و زیاد بن ابیه، معروف بود و دشمنی خاصی با اهل بیت علیهم السلام داشت.

(علمی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا عقل را به انسانی نداد جز آن که روزی او را با کمک عقل نجات بخشید (85201-85189).

(3408)

حکمت 408

سر انجام حق ستیزی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس با حق در افتاد نابود شد (85208-85202).

(3409)

حکمت 409

هماهنگی قلب و چشم

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: قلب، کتاب چشم است (85214-85209) (آنچه چشم بنگرد در قلب نشیند)^{۲۲}

(3410)

حکمت 410

ارزش پرهیزگاری

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: تقوا در رأس همه ارزش‌های اخلاقی است (85220-85215).

²² (۴) بابا طاهر رباعیات ص ۷: \sli z دست دیده و دل هر دو فریاد\z که هر چه دیده ببند دل کند یاد. z\ E E

(1) نقد تفکر: پاترنالیسم PATERNALISM (پدر سالاری) بلکه در روابط پدر و فرزند حقوق متقابل مطرح است.

(2) اشاره به علم: ماجیک لوژی LOGY -MAGIC (سحر شناسی)

(3) مغیره بن شعبه یکی از چهار نفری است که به مکر و حيله و زیرکی چونان معاویه و عمرو عاص و زیاد بن ابیه، معروف بود و دشمنی خاصی با اهل بیت علیهم السلام داشت.

(4) بابا طاهر رباعیات ص 7:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 729

(3411)

حکمت 411

احترام به استاد

(اخلاق اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: با آن کس که تو را سخن آموختن به درشتی سخن مگو، و با کسی که راه نیکو سخن گفتن، به تو آموخت لاف بلاغت مزین (85236-85221).

(3412)

حکمت 412

راه خود سازی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: در تربیت خویش تو را بس که از آنچه بر دیگران نمی‌پسندی دوری کنی (85247-85237).

(3413)

حکمت 413

راه تحمل مصیبت‌ها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: در مصیبت‌ها یا چون آزادگان باید شکیبیا بود، و یا چون ابلهان خود را به فراموشی زد (85259-85248).

(3414)

حکمت 414

راه تحمل مصیبت‌ها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: (در روایت دیگری آمد که اشعث بن قیس را در مرگ فرزندش اینگونه تسلیت داد:) یا چون مردان بزرگوار شکیبیا، و یا چون چهارپایان بی تفاوت باش (85282-85260).

(3415)

حکمت 415

دنیا شناسی

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (در وصف دنیای حرام) (85288-85283) (دنیا) فریب می‌دهد، زیان می‌رساند و تند می‌گذرد. از این رو خدا دنیا را پاداش دوستان خود نپسندید، و آن را

جایگاه کیفر دشمنان خود قرار نداد (85304-85289)، و همانا مردم دنیا چون کاروانی باشند که هنوز بار انداز نکرده کاروان سالار بانگ کوچ سر دهد تا بار بندند و برانند (85317-85305)!

(3416)

حکمت 416

روش برخورد با دنیا

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: (به فرزندش امام مجتبی علیه السلام خطاب کرد:) چیزی از دنیای حرام برای پس از مرگت باقی مگذار، زیرا آنچه از تو می ماند نصیب یکی از دو تن خواهد شد (85332-85318)، یا شخصی است که آن را در طاعت خدا به کار گیرد، پس سعادت مند می شود به چیزی که تو را به هلاکت افکنده است. و یا شخصی که آن را در نافرمانی خدا به کار گیرد، پس هلاک می شود به آنچه که تو جمع آوری کردی، پس تو در گناه او را یاری کرده ای، که هیچ یک از این دو نفر سزاوار آن نیستند تا بر خود مقدم داری (85367-85333). (این حکمت به گونه دیگری نیز نقل شده) (85378-85368) پس از ستایش پروردگار! آنچه از دنیا هم اکنون در دست تو است، پیش از تو در دست دیگران بود، و پس از تو نیز به دست دیگران خواهد رسید (85397-85379)، و همانا تو برای دو نفر مال خواهی اندوخت، یا شخصی که اموال جمع شده تو را در طاعت خدا به کار گیرد، پس به آنچه که تو را به هلاکت افکند سعادت مند می شود، یا کسی است که آن را در گناه به کار اندازد، پس با اموال جمع شده تو هلاک خواهد شد، که هیچ یک از این دو نفر سزاوار نیستند تا بر خود مقدمشان بداری، و بار آنان را بر دوش کشی (85439-85398)، پس برای گذشتگان رحمت الهی، و برای بازماندگان روزی خدا را امیدوار باش (85449-85440).

(3417)

حکمت 417

شرائط توبه و استغفار

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی در حضور امام علیه السلام بدون توجه لازم گفت: استغفر الله، امام فرمود) مادرت بر تو بگرید، می دانی معنای استغفار چیست؟ (85450-85463) استغفار درجه والا مقامان است، و دارای شش معنا است، اول- پشیمانی از آنچه گذشت، دوم- تصمیم به عدم بازگشت (85486-85464)، سوم- پرداختن حقوق مردم

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 731

چنانکه خدا را پاک دیدار کنی که چیزی بر عهده تو نباشد، چهارم- تمام واجبه‌های ضایع ساخته را به جا آوری (85511-85487)، پنجم- گوشتی که از حرام بر اندامت روییده، با اندوه فراوان آب کنی، چنانکه پوست به استخوان چسبیده گوشت تازه بروید، ششم- رنج طاعت را به تن بچشانی چنانکه شیرینی گناه را به او چشانده بودی، پس آنگاه بگویی، استغفر الله (85548-85512)!

(3418)

حکمت 418

ره آورد حلم

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: حلم و بردباری، خویشاوندی است (85553-85549).

(3419)

حکمت 419

مشکلات انسان

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: بیچاره فرزند آدم! اجلس پنهان، بیماری‌هایش پوشیده، اعمالش همه نوشته شده، پشه‌ای او را آزار می‌دهد، جرعه‌ای گلو گیرش شده او را از پای در آورد، و عرق کردنی او را بد بو سازد (85573-85554)!

(3420)

حکمت 420

راه درمان شهوت، و عفو اهانت کننده

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (اصحاب امام پیرامونش نشسته بودند که زنی زیبا از آنجا گذشت، حاضران دیده به آن زن دوختند (85588-85574). امام فرمود: همانا دیدگان این مردان به منظره شهوت آمیز دوخته شده و به هیجان آمده‌اند، هر گاه کسی از شما با نگاه به زنی به شگفتی آید، با همسرش بیامیزد که او نیز زنی چون زن وی باشد (85612-85589).

(مردی از خوارج گفت: خدا این کافر را بکشد چقدر فقه می‌داند! مردم برای کشتن او برخاستند، امام فرمود) آرام باشید، دشنام را با دشنام باید پاسخ داد یا بخشیدن از گناه (85635-85613).

(3421)

حکمت 421

ره آورد عقل

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: عقل تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد (85648-85636).

(3422)

حکمت 422

ارزش نیکوکاری

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: کار نیک به جا آورید، و آن را هر مقدار که باشد کوچک
نشمایید، زیرا کوچک آن بزرگ، و اندک آن فراوان است (85664-85649)، و کسی از شما نگوید
که: دیگری در انجام کار نیک از من سزاوارتر است! گر چه سوگند به خدا که چنین است:

خوب و بد را طرفدارانی است که هر گاه هر کدام از آن دو را واگذارید، انجامشان خواهند داد
(85688-85665).

(3423)

حکمت 423

ره آورد خودسازی

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود:

کسی که نهان خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند (85697-85689)، و کسی که برای
دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید (85705-85698)، و کسی که میان خود و خدا را
نیکو گرداند، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد (85720-85706).

(3424)

حکمت 424

ارزش عقل و بردباری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: بردباری پرده‌ای است پوشاننده، و عقل شمشیری است بران، پس
کمبادهای اخلاقی خود را با بردباری پیوشان، و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش (85738-
(85721).

(3425)

حکمت 425

مسئولیت توانگران

(اعتقادی، اقتصادی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 733

و درود خدا بر او، فرمود: خدا را بندگی است که برای سود رساندن به دیگران، نعمت‌های خاصی به آنان بخشیده، تا آنگاه که دست بخشنده دارند نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد، و هر گاه از بخشش دریغ کنند، نعمت‌ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد (85762-85739).

(3426)

حکمت 426

دو چیز ناپایدار

(اقتصادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: سزاوار نیست که بنده خدا به دو خصلت اعتماد کنند: تندرستی، و توانگری، زیرا در تندرستی ناگاه او را بیمار بینی، و در توانگری ناگاه او را تهیدست
(85785-85763)!

(3427)

حکمت 427

جایگاه شکوه کردن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که از نیاز خود نزد مؤمنی شکایت کند، گویی به پیشگاه خدا شکایت برده است، و کسی که از نیازمندی خود نزد کافری شکوه کند، گویی از خدا شکوه کرده است (85805-85786)!

(3428)

حکمت 428

شناخت روز عید

(اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (در یکی از روزهای عید) این عید کسی است که خدا روزهاش را پذیرفته، و نماز او را ستوده است (85821-85806)، و هر روز که خدا را نافرمانی نکنند، آن روز عید است (85830-85822)!

(3429)

حکمت 429

اندوه سرمایه‌داران

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: بزرگ‌ترین حسرت‌ها در روز قیامت، حسرت خوردن مردی است که مالی را به گناه گرد آورد، و آن را شخصی به ارث برد که در اطاعت خدای سبحان، بخشش کرد، و با آن وارد بهشت شد، و گرد آورنده اولی وارد جهنم گردید (85861-85831).

(3430)

حکمت 430

اندوه زر اندوزی

(اعتقادی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا زیانکارترین مردم در معاملات، و نومیدترین مردم در تلاش، مردی است که تن در گرد آوری مال خسته دارد، اما تقدیرها با خواست او هماهنگ نباشد، پس با حسرت از دنیا رود، و با بار گناه به آخرت روی آورد (85892-85862).

(3431)

حکمت 431

اقسام روزی

(اقتصادی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: روزی بر دو قسم است:

آن که و را می خواهد، و آن که تو او را می جویی. کسی که دنیا را خواهد، مگر نیز او را می طلبد تا از دنیا بیرونش کند، و کسی که آخرت خواهد، دنیا او را می طلبد تا روزی او را به تمام پردازد (85918-85893).

(3432)

حکمت 432

ویژگی های دوستان خدا

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: دوستان خدا آناند که به درون دنیا نگریستند آنگاه که مردم به ظاهر آن چشم دوختند، و سر گرم آینده دنیا شدند آنگاه که مردم به امور زودگذر دنیا پرداختند (85942-85919).

پس هواهای نفسانی که آنان را از پای در می آورد، کشتند، و آنچه که آنان را به زودی ترک می کرد، ترک گفتند، و بهره مندی دنیا پرستان را از دنیا، خوار شمردند، و دست یابی آنان را به دنیا زودگذر دانستند (85965-85943). با آنچه مردم آشتی کردند، دشمنی ورزیدند، و با آنچه دنیا پرستان دشمن شدند آشتی کردند (85974-85966)، قرآن به وسیله آنان شناخته می شود، و آنان به کتاب خدا آگاهند، قرآن به وسیله آنان پا بر جاست و آنان به کتاب خدا استوارند (85987-85975)، به بالاتر از آنچه امیدوارند چشم نمی دوزند، و غیر از آنچه که از آن می ترسند هراس ندارند (85999-85988).

(3433)

حکمت 433

ضرورت توجه به فنا پذیری لذت‌ها

(اخلاقی، اعتقادی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 735

و درود خدا بر او، فرمود: پایان لذت‌ها، و بر جای ماندن تلخی‌ها را به یاد آورید (86008-86000).

(3434)

حکمت 434

آزمودن انسان‌ها

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم را بیازمای، تا دشمن گردی (86013-86009).

می‌گویم: (بعضی این حکمت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند، و نقل ثعلب^{۲۳} از این اعرابی را تأیید می‌کند که این کلام از علی علیه السلام است، اعرابی از مأمون نقل کرد. اگر علی علیه السلام نگفته بود «بیازمای تا دشمن گردی» من می‌گفتم که «دشمن دار تا بیازمایی»

(86051-86014) (3435)

حکمت 435

ارزش‌های والای اخلاقی

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا در شکرگزاری را بر بنده‌ای نمی‌گشاید که در فزونی نعمت‌ها را بر او ببندد (86067-86052)، و در دعا را بر روی او باز نمی‌کند که در اجابت کردن را نگشاید، و در توبه کردن را باز نگذاشته که در آمرزش را بسته نگهدارد (86090-86068).

²³ (۱) ثعلب: از بزرگان و دانشمندان لغت و ادبیات عرب و نام او احمد بن یحیی بوده و در سال ۲۹۱ هجری در گذشت و ابن اعرابی نام او محمد بن زیاد، از بزرگان ادب و از دیار سند است که در سال ۲۳۱ هجری در گذشت.

(3436)

حکمت 436

راه شناخت بزرگواران

(اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: شایسته‌ترین مردم به بزرگواری آن که بزرگواران را با او بسنجند (86100-86091).

(3437)

حکمت 437

شناخت عدل و بخشش

(اجتماعی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند عدل یا بخشش، کدام یک برتر است، فرمود:) عدالت: هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف‌تر و برتر است (86131-86101).

(3438)

حکمت 438

جهل و دشمنی

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم دشمن آنند که نمی‌دانند (86138-86132).

(3439)

حکمت 439

تعریف زهد و پارسایی

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: زهد بین دو کلمه از قرآن است، که خدای سبحان فرمود: «تا بر آنچه از دست شما رفته حسرت نخورید، و به آنچه به شما رسیده شادمان مباشید» کسی که بر گذشته افسوس نخورد، و به آینده شادمان نباشد، همه جوانب زهد را رعایت کرده است (86174-86139).

(3440)

حکمت 440

نقش خوابدین‌ها در زندگی

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: خواب دیدن‌ها چه بسا تصمیم‌های روز را نقش بر آب کرده است (86182-86175).^{۲۴}

(3441)

حکمت 441

تجربه کاری و شناخت مدیران

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: فرمانروایی، میدان مسابقه مردان است (86188-86183).

(3442)

حکمت 442

راه انتخاب شهرها برای زندگی

²⁴ (۲) سعدی نیکو سرود: «sī i خواب نوشین بامداد رحیل z باز دارد پیاده را ز سبیل. z i E a»

(اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ شهری برای تو از شهر دیگر بهتر نیست، بهترین شهرها آن است که پذیرای تو باشد (86201-86189).

(3443)

حکمت 443

ویژگی‌های مالک اشتر

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (وقتی خبر شهادت مالک اشتر که رحمت خدا بر او باد، به امام رسید فرمود) مالک! چه مالکی؟ به خدا اگر کوه بود، کوهی که در سرفرازی یگانه بود، و اگر سنگ بود، سنگی سخت و محکم بود، که هیچ رونده‌ای به اوج قله او نمی‌رسید، و هیچ برنده‌ای بر فراز آن پرواز نمی‌کرد (86236-86202)!

(فند. کوهی است از دیگر کوه‌ها ممتاز و جدا افتاده باشد) (86243-86237)

(1) ثعلب: از بزرگان و دانشمندان لغت و ادبیات عرب و نام او احمد بن یحیی بوده و در سال 291 هجری در گذشت و ابن اعرابی نام او محمد بن زیاد، از بزرگان ادب و از دیار سند است که در سال 231 هجری در گذشت.

(2) سعدی نیکو سرود:

باز دارد پیاده را ز سیل.

خواب نوشین بامداد رحیل

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 737

(3444)

حکمت 444

ارزش تداوم کار

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: چیز اندک که با اشتیاق تداوم یابد، بهتر از فراوانی است که رنج آور باشد (86254-86244).

(3445)

حکمت 445

انسان شناسی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر در کسی خصلتی شگفت دیدید، همانند آن را نیز انتظار کشید (86265-86255).

(3446)

حکمت 446

ضرورت پرداخت دیون مردم

(اقتصادی، حقوقی) و درود خدا بر او، فرمود: (امام به پدر فرزددق، غالب بن صعصعه فرمود)²⁵ شتران فراوانت چه شده‌اند؟ (پاسخ داد، ای امیر مؤمنان، پرداخت حقوق آنها را پراکنده ساخت امام فرمود) این بهترین راه مصرف آن بود (86292-86266).

(3447)

حکمت 447

²⁵ (۱) غالب بن صعصعه پیر مرد با شخصیتی بود روزی با فرزندش، همام (فرزددق) خدمت امام رسید که این سؤال و جواب مطرح شد، امام پرسید این کودک تو است؟ گفت آری، به او ادبیات عرب و روش شعر سرودن آموختم چنانکه دارد شاعر لایقی می‌شود. امام فرمود، اگر به او قرآن می‌آموختی بهتر بود، فرزدق می‌گوید این رهنمود امام همواره در گوش من بود تا آنکه کل قرآن را حفظ کردم.

ضرورت فقه در تجارت

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که بدون آموزش فقه اسلامی تجارت کند، به ربا خواری آلوده شود (86303-86293)!.
(3448)

حکمت 448

راه برخورد با مصیبت‌ها

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که مصیبت‌های کوچک را بزرگ شمارد خدا او را به مصیبت‌های بزرگ مبتلا خواهد کرد (86313-86304).
(3449)

حکمت 449

راه مبارزه با هوا پرستی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که خود را گرمی دارد، هوا و هوس را خوار شمارد (86323-86314).
(3450)

حکمت 450

پرهیز از شوخی کردن

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ کس شوخی بیجا نکند جز آن که مقداری از عقل خویش را از دست بدهد (86335-86324).
(3451)

(3451)

حکمت 451

روش برخورد با مردم

(اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: دوری تو از آن کس که خواهان تو است نشانه کمبود بهره تو در دوستی است، و گرایش تو به آن کس که تو را نخواهد، سبب خواری تو است (86351-86336).

(3452)

حکمت 452

معیار شناخت فقر و غنا

(اعتقادی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: فقر و بی نیازی ما پس از عرضه شدن بر خدا آشکار خواهد شد (86377-86352).

(3453)

حکمت 453

علل انحراف زیبر

(تاریخی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: زیبر همواره با ما بود تا آن که فرزند نامبارکش عبد الله، پا به جوانی گذاشت (86377-86362)!

(3454)

حکمت 454

راه غرور زدایی

(اعتقادی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: فرزند آدم را با فخر فروشی چه کار؟ او که در آغاز نطفه‌ای گندیده، و در پایان مرداری بد بو است، نه می‌تواند روزی خویشتن را فراهم کند، و نه مرگ را از خود دور نماید (86398-86378).

(3455)

حکمت 455

راه شناخت بزرگترین شاعر

(هنری، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسید^{۲۶} بزرگ‌ترین شاعر عرب کیست؟ فرمود:) شاعران در یک وادی روشنی نتاخته‌اند تا پایان کار معلوم شود، و اگر ناچار باید داوری کرد،

(1) غالب بن صعصعه پیر مرد با شخصیتی بود روزی با فرزندش، همام (فرزدق) خدمت امام رسید که این سؤال و جواب مطرح شد، امام پرسید این کودک تو است؟ گفت آری، به او ادبیات عرب و روش شعر سرودن آموخته‌ام چنانکه دارد شاعر لایقی می‌شود. امام فرمود، اگر به او قرآن می‌آموختی بهتر بود، فرزدق می‌گوید این رهنمود امام همواره در گوش من بود تا آنکه کل قرآن را حفظ کردم.

(2) ابو الأسود دؤلی از امام پرسید.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 739

پس پادشاه گمراهان، بزرگ‌ترین شاعر است (86422-86399)^{۲۷}.

²⁶ (۲) ابو الأسود دؤلی از امام پرسید.

²⁷ (۱) منظور امرؤ القیس، بزرگترین شاعر دوره جاهلی و صاحب یکی از معلقات سبعة است، اشعارهای بسیار زیبایی که آن را هر سال در بازار معروف عکاظ، مطرح می‌کردند. او کافر بود، برخی «ضلیل» را به سرگردانی ترجمه کردند، زیرا امرؤ القیس برای گرفتن انتقام خون پدرش به همه جا می‌رفت تا یاورانی فراهم آورد، بناچار به قیصر روم پناهنده و در سال ۵۴۰ میلادی در گذشت.

(3456)

حکمت 456

بهای جان آدمی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده حرام دنیا را به اهلش واگذارد؟ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید (86444-86426)!

(3457)

حکمت 457

تشنگان مال و علم

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: دو گرسنه هرگز سیر نشوند: جوینده علم و جوینده مال (86455-86445).

(3458)

حکمت 458

نشانه‌های ایمان

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: نشانه ایمان آن است که راست بگویی، آنگاه که تو را زیان رساند، و دروغ نگویی که تو را سود رساند و آن که بیش از مقدار عمل سخن نگویی، و چون از دیگران سخن گویی از خدا بترسی (86483-86456)!

(3459)

حکمت 459

شناخت جایگاه جبر و اختیار

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: تقدیر الهی چنان بر محاسبات ما چیره شود که تدبیر، سبب آفت زدگی باشد (86495-86484).^{۲۸}

می‌گوییم: «مفهوم این حکمت در حکمت 16 با عبارت دیگری نقل شد»

(86508-86496) (3460)

حکمت 460

ارزش صبر و تحمل

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بردباری و درنگ هم آهنگند و نتیجه آن بلند همتی است (86518-86509).

(3461)

حکمت 461

غیبت نشانه ناتوانی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: غیبت کردن تلاش ناتوان است (86524-86519).

(3462)

حکمت 462

پرهیز از غرور زدگی در ستایش

²⁸ (۲) نقد مکتب ولونتاریسم (VCLUNTARI SM) (مکتب اصالت اراده و اختیار) که هر گونه جبری را نفی می‌کند، زیرا در اسلام انسان با کمک خدا عمل می‌کند.

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: چه بسا کسانی که با ستایش دیگران فریب خوردند

(86532-86525) (3463)

حکمت 463

دنیا برای آخرت است

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: دنیا برای رسیدن به آخرت آفریده شد، نه برای رسیدن به خود
(86542-86533).

(3464)

حکمت 464

سرانجام دردناک بنی امیه

(تاریخی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: بنی امیه راه ملتی است که در آن می‌تازند، پس
آنگاه که میانشان اختلاف افتد گفتارها بر آنان دهان گشایند و بر آنان پیروز شوند (86561-86543).

می‌گوییم: «مرود» بر وزن «منبر» از ماده «ارواد» به معنای مهلت است و این از فصیح‌ترین و زیباترین
کلام است، گوئی امام علیه السلام مهلت کوتاه بنی امیه در حکومت را به میدان مسابقه تشبیه کرده که
مسابقه دهندگان به ترتیب در یک مسیر مشخص به سوی یک هدف به پیش می‌روند و آنگاه که به
هدف رسیدند نظم آنها درهم شکسته می‌شود (86600-86562).

(3465)

حکمت 465

ارزش‌های والای انصار

(تاریخی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (در ستایش انصار فرمود) به خدا سوگند! آنها اسلام را پروراندند، چونان مادری که فرزندش را پیروراند، با توانگری، با دست‌های بخشنده، و زبانهای برنده و گویا

(86621-86601) (3466)

حکمت 466

دقت در مشاهدات

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: چشم، بند ظرف حوادث است (86627-86622).

می‌گوییم: «این کلام امام علیه السلام از استعاره‌های شگفت است، که نشستگاه را به مشک، و چشم را به سربند آن تشبیه کرد، و آنگاه که بند گشوده شود آنچه در مشک است بیرون ریزد. مشهور است که این سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است (86657-86628)، ولی عده‌ای آن را از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده‌اند، این حکمت را «مبرد» در کتاب «مقتضب» در باب لفظ به حروف آورده، و ما آن را در کتاب خود که «مجازات آثار نبوی» نام دارد آورده‌ایم (86687-86658).

(1) منظور امرؤ القیس، بزرگترین شاعر دوره جاهلی و صاحب یکی از تعلقات سبعه است، اشعارهای بسیار زیبایی که آن را هر سال در بازار معروف عکاظ، مطرح می‌کردند. او کافر بود، برخی «ضلیل» را به سرگردانی ترجمه کردند، زیرا امرؤ القیس برای گرفتن انتقام خون پدرش به همه جا می‌رفت تا یاورانی فراهم آورد، بناچار به قیصر روم پناهنده و در سال 540 میلادی در گذشت.

(2) نقد مکتب ولونتاریسم VOLUNTARISM (مکتب اصالت اراده و اختیار) که هر گونه جبری را نفی می‌کند، زیرا در اسلام انسان با کمک خدا عمل می‌کند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 741

(3467)

حکمت 467

وصف یکی از رهبران الهی

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بر آنان فرمانروایی حاکم شد، که کارها را به پاداشت، و استقامت ورزید، تا دین استوار شد (86703-86688).

(3468)

حکمت 468

مسئولیت سرمایه‌داری

(اقتصادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم را روزگاری دشوار در پیش است که توانگر اموال خود را سخت نگهدارد، در صورتی که به بخل ورزی فرمان داده نشد. خدای سبحان فرمود: «بخشش میان خود را فراموش نکنید» (86730-86704) بدان در آن روزگار، بلند مقام، و نیکان خوار گردند، و با درماندگان به ناچاری خرید و فروش می‌کنند (86739-86731) در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از معامله با درماندگان نهی فرموده (86748-86740).

(3469)

حکمت 469

پرهیز از افراط و تفریط نسبت به امام علیه السلام

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: دو کس نسبت به من هلاک می‌گردند، دوستی که زیاده‌روی کند، و دروغ پردازی که به راستی سخن نگوید (86759-86749).

(این کلام مانند سخن دیگری است که فرمود) دو تن نسبت به من هلاک گردند، دوستی که از حد گذراند، و دشمنی که بیهوده سخن گوید (86774-86760).

(3470)

حکمت 470

تعریف توحید و عدل

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام نسبت به توحید و عدل پرسیدند فرمود) توحید آن است که خدا را در وهم نیاری، و عدل آن است که او را متهم نسازی (86789-86775)^{۲۹}.

(3471)

حکمت 471

شناخت جایگاه سخن و سکوت

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: در آنجا که باید سخن گفت، خاموشی سودی ندارد، و آنجا که باید خاموش ماند سخن گفتن خیری نخواهد داشت (86805-86790).

(3472)

حکمت 472

دعای باران

(نیایشی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: (در دعا به هنگام طلب باران فرمود) خدایا ما را با ابرهای رام سیراب کن، نه ابرهای سرکش (86818-86806)!

(این کلمات از فصیح‌ترین و شگفتی‌آورترین کلمات ادیبانه است که ابرهای سرکش همراه با رعد و برق را به شتران چموش تشبیه کرد که بار از پشت می‌افکنند و سواری نمی‌دهند (86848-86819)، و ابرهای رام را به شتران رام تشبیه کرد که به راحتی شیر داده، و سواری می‌دهند)

²⁹ (۱) صاحب کتاب طراز می‌گوید: این دو کلمه تمام علوم توحید را با همه گستردگی در بردارد، اگر در باره خداشناسی نبود جز همین دو کلمه، کافی بود.

(3473) (86849 - 86863)

حکمت 473

ارزش رنگ کردن و آرایش

(تجمل و زیبایی) و درود خدا بر او، فرمود: (به امام گفتند چه می شد موی خود را رنگ می کردی؟ فرمود) رنگ کردن مو، آرایش است، اما ما، در عزای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سر می بریم (86882 - 86864) (86887 - 86883).

(3474)

حکمت 474

ارزش عفت و پاکدامنی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگ تر از پاداش عقیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی گردد (86901 - 86888)، همانا عقیف پاکدامن، فرشته ای از فرشته هاست (86908 - 86902).

(3475)

حکمت 475

ارزش قناعت

(اقتصادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: قناعت مالی است که پایان نمی پذیرد (86915 - 86909).

«برخی این حکمت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند»

(86926 - 86916)

(1) صاحب کتاب طراز می گوید: این دو کلمه تمام علوم توحید را با همه گستردگی در بردارد، اگر در باره خدانشناسی نبود جز همین دو کلمه، کافی بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 743

(3476)

حکمت 476

راه کشور داری

(سیاسی، نظامی) و درود خدا بر او، فرمود: چون زیاد بن ابیه را به جای عبد الله بن عباس، به فارس و شهرهای پیرامون آن حکومت داد، او را در دستور العمل طولانی از گرفتن مالیات تا به هنگام نهی فرمود (86953-86927) عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می انجامد (86969-86954).

(3477)

حکمت 477

بزرگ ترین گناه

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: سخت ترین گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک شمارد (86978-86970).

(3478)

حکمت 478

مسئولیت آگاهان

(علمی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند، تا آن که از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند (86996-86979).

(3479)

حکمت 479

بدترین دوست

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بدترین دوست آن که برای او به رنج و زحمت افتی (87004-86997).

می گویم: (تکلف و تکلیف با مشکلات و به زحمت افتادن است، پس دوستی که انسان را دچار مشکلات می کند مایه شر است پس او از بدترین دوستان بشمار می آید) (87021-87005).

(3480)

حکمت 480

آفت دوستی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: وقتی مؤمن برادرش را به خشم آورد، به یقین از او جدا شده است (87030-87022).

می گویم: (حشمه و احشمه، یعنی او را به خشم آورد، برخی گفته اند، یعنی او را شرمنده ساخت و احتشم به معنای فراهم آوردن چنین حالتی است که زمینه جدائی را پدید می آورد) (87050-87031).

(این آخرین قسمت از سخنان برگزیده امام، امیر المؤمنین علیه السلام است که خدای را سپاس می گویم تا مرا به این گرد آوری سخنان پراکنده، و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر در یک مجموعه، توفیق عنایت فرمود، در آغاز کار، برگ های سفید در هر فصل قرار دادیم تا به کلام تازه، یا تفسیر جالبی که رسیدیم بر آن بیفزاییم، تا سخن پوشیده آشکار شود، و آنچه دست نیافتنی می نمود به دست

آید. توفیق ما از خداست، و بر او توکل می‌کنیم، که او ما را کفایت کننده و بهترین سرپرست است، و جمع آوری سخنان امام علیه السلام در ماه رجب سال 400 هجری انجام پذیرفت درود ما بر سید و مولای ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران، و هدایت کننده انسانها به بهترین راهها، و بر اهل بیت پاک و یاران او باد که ستارگان یقین‌اند!³⁰

³⁰ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ۱ جلد، مشهور - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.